

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدا



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان
اداره کل تحصیلات تکمیلی

صور تجلسه نتیجه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

طبق درخواست شماره ۸۰۰/۱۵۶۲ مورخ ۸۹/۱۲/۲۲ تحصیلات تکمیلی دانشکده و سجوی شماره
۸۰۰/۱۷۴۳ مورخ ۸۹/۱۲/۲۱ تحصیلات تکمیلی دانشگاه جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد
آقای خانم به شماره دانشجویی ۸۹۲۱۹ در رشته
گرایش تحت عنوان در حضور هیئت داوران مرکب از:
واحد، در ساعت ۸:۳۰ مورخ ۸۹/۱۲/۲۲

- | | | |
|--|----------|-------|
| ۱- استاد با اساتید راهنما | رکن اول | امضاء |
| ۲- استاد یا اساتید مشاور | رکن دهم | امضاء |
| ۳- عضو هیئت داوران | رکن هفتم | امضاء |
| ۴- عضو هیئت داوران | | امضاء |
| ۵- نماینده اداره کل تحصیلات تکمیلی در گروه | رکن ساسم | امضاء |

برگزار شد و با درجه بسیار خوب نمره ۲۰ ارزشیابی گردید.
هنگام ۲۴

رئیس دانشکده
امضاء

مدیر گروه آموزشی
امضاء



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان
اداره کل تحصیلات تکمیلی

به نام خدا

تأییدیه اعضای هیئت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه خاتم / آقای میرزا حسن کجک
تحت عنوان پهنای باند سیستم انتقال داده در شبکه های بی سیم
را از نظر شکل و محتوا بررسی نموده، پذیرش آن را جهت نایل به درجه کارشناسی ارشد مورد تأیید قرار دادند.

| اعضای هیئت داوران | نام و نام خانوادگی | رتبه علمی | امضاء |
|----------------------------------|----------------------|-----------|--------------------------|
| ۱. استاد راهنما: | <u>اردشیر کزویان</u> | استادیار | |
| ۲. استاد مشاور: | <u>محمد امین فرد</u> | | |
| ۳. استاد ناظر: | <u>رضا الهی</u> | استادیار | |
| ۴. استاد ناظر: | | | |
| ۵. نماینده اداره تحصیلات تکمیلی: | | | <u>حاج علی میرزا</u> |



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان
دانشکده الهیات
گروه فقه و حقوق اسلامی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد

رشته الهیات

مبانی و احکام امر به معروف و نهی از منکر در فقه جعفری و شافعی

استاد راهنما:

دکتر حسین ایمانی

استاد مشاور:

دکتر محمد امین فرد

پژوهشگر:

میر قاسم حسینی نجق

اسفند / ۱۳۸۹

تبریز / ایران

تقدیم به:

محضر مقدس آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه امید که ما را منتظر بنامد .

منتظران را به لب آمد نفس

ای شه خوبان تو به فریاد رس

و

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای امید که موجب خرسندی و رضایتشان شود ؛

و

مادر و پدر عزیزم که رنج پرورش مرا به جان خریدند . امید که اندکی از آن مرارت ها به آرامش تبدیل شود .

تقدیر و تشکر

اکنون که به یاری پروردگار متعال نگارش این تحقیق به پایان رسیده است، بر خود واجب می دانم، مراتب تشکر و قدردانی و سپاسگذاری قلبی خود را نسبت به راهنمایی های جناب آقای دکتر حسین ایمانی استاد محترم راهنما که با راهنمائیها و نظرات عالمانه خود، راهگشای مشکلات اجرا و تدوین این پایان نامه بوده اند، ابراز دارم.

همچنین از جناب آقای دکتر محمد امین فرد که در مقام مشاوره، با ارشادات ارزنده خویش موجبات تکمیل و بارور شدن این پژوهش را فراهم ساختند نهایت تشکر را دارم.

همچنین از مدیر محترم گروه فقه و حقوق اسلامی جناب آقای دکتر حاجی پور کمال تشکر و سپاس دارم و نیز از دوستان عزیزم سید رزاق حسینی، حسن حسن زاده، اکبر منافی و ناصر منافی، که به نحوی در انجام این تحقیق اینجانب را یاری کرده اند، قدردانی و توفیق روز افزون ایشان را از ایزد منان مسئلت می نمایم.

میرقاسم حسینی نجفی

اسفند/1389

ایران/تبریز

چکیده

1..... مقدمه

فصل اول: کلیات و مفاهیم

4..... 1-1: معنای امر به معروف و نهی از منکر.....

4..... 1-1-1: معنای کلمه امر.....

5..... 2-1-1: معنای کلمه نهی.....

5..... 3-1-1: معنای معروف.....

6..... 4-1-1: معنای منکر.....

7..... 5-1-1: معنای امر به معروف و نهی از منکر.....

8..... 2-1: قلمرو معروف و منکر.....

8..... 3-1: اقسام واجب.....

8..... 1-3-1: واجب عینی و کفایی.....

9..... 2-3-1: واجب شرعی و عقلی.....

9..... 3-3-1: واجب تعبدی و توصلی.....

9..... 4-1: جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی و پیشینه آن.....

10..... 5-1: معنای حسب و محتسب و نظرات فقهای شیعه و شافعیه در مورد حسب.....

15..... 6-1: رابطه این فریضه با دیگر تکالیف فردی و اجتماعی.....

17..... 7-1: چگونگی تشریح امر به معروف و نهی از منکر.....

20..... 8-1: فلسفه امر به معروف و نهی از منکر.....

21..... 9-1: راههای شناخت معروف و منکر.....

21..... 1-9-1: فطرت.....

22..... 2-9-1: عقل.....

22..... 3-9-1: دین.....

فصل دوم: امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات

25..... 1-2: امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم.....

30..... 2-2: روایات.....

فصل سوم: وجوب امر به معروف و نهی از منکر

44..... 1-3: وجوب امر به معروف و نهی از منکر از نظر فقهای شیعه و شافعیه.....

47..... 2-3: آیا امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است یا عینی؟.....

- 3-3: مستند قائلین به وجوب کفایی امر به معروف و نهی از منکر..... 50
- 4-3: امر به معروف و نهی از منکر واجب توصلی است یا تعبدی؟ 52
- 5-3: شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر از نظر شیعه 53
- 1-5-3: علم آمر و ناهی به معروف و منکر 53
- 2-5-3: احتمال تأثیر 54
- 3-5-3: پافشاری خطاکار بر ادامه عمل خویش 56
- 4-5-3: خالی بودن از مفسده 57
- 6-3: شرایط امر به معروف و نهی از منکر از نظر فقهای شافعی 60
- 7-3: مراتب امر به معروف و نهی از منکر 62
- 1-7-3: انکار قلبی 63
- 2-7-3: امر و نهی زبانی 64
- 3-7-3: امر و نهی یدی (با دست) 65
- 8-3: مراتب امر به معروف و نهی از منکر از نظر فقهای شافعی 67

فصل چهارم : اقسام امر به معروف و نهی از منکر

- 1-4: واجب و مستحب 71
- 2-4: امر به معروف و نهی از منکر اخلاقی 71
- 3-4: امر به معروف و نهی از منکر که حقوق الله ، یا حقوق الناس یا مشترک بین این دو باشد 72

فصل پنجم : ویژگی آمران به معروف و ناهیان از منکر

- 1-5: معروف و منکر را بشناسد و خود عامل به معروف و تارک منکر باشد 77
- 2-5: اخلاص در عمل 78
- 3-5: صبر و شکیبایی 79
- 4-5: دلسوزی و مهربانی 79
- 5-5: پرهیز از خودپسندی 80
- 6-5: طمع نداشتن 80
- 7-5: عفو و گذشت و برخورد کریمانه 81
- 8-5: آیا در آمر به معروف و ناهی از منکر عدالت شرط است؟ 81

فصل ششم : آثار امر به معروف و نهی از منکر

- 1-6: اجرای احکام اسلامی 84
- 2-6: امنیت اجتماعی و اعتقادی 84
- 3-6: حلال شدن درآمدها 85
- 4-6: زدّ مظالم 85
- 5-6: آباد شدن زمین 86

- 86 6-6: انتقام از دشمنان اسلام
- 87 7-6: اصلاح امور دین و دنیا
- 87 8-6: شرکت در ثواب اعمال
- 88 9-6: دنیا و آخرتی سودمند
- 89 10-6: مقام و منزلت آمران به معروف و ناهیان از منکر

فصل هفتم : پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر

- 92 1-7: پیامدهای فردی
- 92 1-1-7: تضعیف ایمان
- 93 2-1-7: شرکت در گناه
- 93 3-1-7: محرومیت از سعادت و حیات راستین
- 94 4-1-7: غضب الهی
- 95 2-7: پیامدهای اجتماعی ترک امر به معروف و نهی از منکر
- 95 1-2-7: شیوع مفاسد اجتماعی و تبدیل منکر به معروف و برعکس
- 96 2-2-7: تسلط اشرار
- 98 3-2-7: عقوبت الهی
- 99 4-2-7: دوری از انسانیت
- 100 5-2-7: پذیرفته نشدن دعا
- 101 6-2-7: پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر در معالم القریه

103 منابع و مأخذ

Abstract

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام و سایر ادیان از جایگاهی بس رفیع و بلند برخوردار است، زیرا اساس نبوت پیامبران الهی بر امر به معروف و نهی از منکر بنا نهاده شده است.

اگر این دو وظیفه از برنامه ی انبیا برداشته شود نبوت تعطیل می گردد. انگیزه ی بعثت همه انبیا، تزکیه و تهذیب نفوس انسان ها بوده و این مهم در پرتو امر به معروف و نهی از منکر حاصل می شود.

از این رو فقهای شیعه از قرن چهارم هجری که فقه شیعه مدوّن شد یعنی از زمان شیخ مفید و شیخ طوسی (ره) تا زمان حاضر مسائل و احکام امر به معروف و نهی از منکر را مورد بررسی قرار داده و احکام این دو را به استناد آیات و روایات استنباط و نظریات خود را مطرح کرده اند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورت و اهمیّت خاصی پیدا کرده است.

هدف این رساله، عبارت است از این که مبانی و احکام امر به معروف و نهی از منکر را در فقه جعفری و شافعی بررسی کرده تا نکات و نقاط اشتراک و افتراق بین دو مذهب در این مسئله روشن شود و به اهمیت این فریضه پی ببریم .

این رساله از 7 فصل تشکیل شده که محوریت هر فصل به شرح زیر می باشد :

فصل اوّل شامل کلیّات و مفاهیم است، در فصل دوم امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات مورد بحث قرار می گیرد . فصل سوم به بحث از وجوب امر به معروف و نهی از منکر اختصاص یافته، و در فصل چهارم اقسام امر به معروف و نهی از منکر، و در فصل پنجم ویژگی های آمران به معروف و ناهیان از منکر، و در فصل ششم آثار امر به معروف و نهی از منکر و در فصل آخر پایان نامه پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر مورد بحث و بررسی قرار می گیرد .

کلید واژه ها : امر ، نهی ، حسب ، معروف ، منکر

مقدمه

فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه‌ی اسلامی زیر بنای دیگر فرایض دینی است. این فریضه فلسفه‌ی تشکیل حکومت اسلامی و معیاری برای صلاح و فساد حکومت‌ها است. مهمترین کارکرد اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر تأمین حقوق عمومی، اصلاح جامعه، حفظ نظام اجتماعی اسلام، برقراری عدالت و سرانجام تثبیت و گسترش نظام ارزشی و اخلاقی دین در جامعه است.

قدمت امر به معروف و نهی از منکر به زمان آفرینش حضرت آدم بر می‌گردد. نخستین انسان روی زمین، دعوت کننده به نیکی‌ها بود. و پس از وی نیز پیام آوران وحی و پیروان مؤمن‌شان در انجام این فریضه مهم کوشیدند و برای منکر زدایی، دشواری‌ها را تحمل کردند. و هزینه‌های جانی و مالی بسیار دادند.

در روزگار ما امام خمینی رحمه الله علیه، مردم را به انجام این فریضه الهی فرا خواند و در حال حاضر نیز رهبر فرزانه انقلاب همگان را به اجرای این فریضه‌ی الهی سفارش می‌کند: «همه باید امر به معروف و نهی از منکر کنند، هم مسئولیت شرعی و هم مسئولیت انقلابی و سیاسی شماست، امر به معروف مثل نماز واجب است»

گرچه انجام این فریضه منوط به احراز شرایط و مقدماتی است. اما این به معنای آن نیست در صورت فقدان شرایط و مقدمات، ما خود را به طور کلی نسبت به انجام این فریضه مهم غیر مسئول بدانیم.

همچنین این فریضه دارای مراتبی است در بعضی از مراتب آن مثل انکار به قلب و زبان (در نهی از منکر)، تمامی افراد مسلمان واجد شرایط امر به معروف و نهی از منکر، باید این تکلیف الهی را انجام دهند. اما بعضی دیگر از مراتب امر به معروف و نهی از منکر - مانند مرتبه اعمال قدرت در برخی مراحلش - بگونه‌ای است که همه افراد مکلف به انجام آن نیستند. زیرا انجام آن از شؤونات حکومت اسلامی و ولایت امر مسلمانان است، در این صورت گروه خاصی از مسلمانان با امکانات، تشکیلات و شرایط ویژه‌ای، زیر نظر حکومت اسلامی عهده دار این دو فریضه بزرگ خواهند شد، در

فقه اسلامی به مؤسسه و تشکیلاتی که عهده دار انجام این مرتبه از مراتب امر به معروف و نهی از منکر است «دایره حسبه» و به مسؤل آن «محتسب» گفته شده است.

اگر در گذشته امر به معروف و نهی از منکر به عنوان امور «حسبه» از سوی حکومت ها اجرا می شد و تشکیلات حسبه متولی آن در جامعه بود، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل هشتم قانون اساسی به این فریضه ی مهم پرداخته و به آن صبغه قانونی داده است. این اصل می گوید: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند.»

«حسبه» که شامل بخش دوم (دولت نسبت به مردم) این اصل است، یکی از قدیمی ترین مباحث فقهی است که از نخستین روز های تدوین فقه، مسائل آن به صورت پراکنده یا مجموعه ای تعریف شده در کتابهای فقه متداول بوده است. این موضوع در فقه اهل سنت به دلیل کاربرد اجرایی آن در سیستم های حکومتی مبتنی بر دیدگاههای اهل سنت، به طور مفصل و ریز شده آمده است. جمعی از علمای شافعی مانند ماوردی در «الاحکام السلطانیه» و ابن اخوه در «معالم القریه» به طور مفصل در مورد حسبه بحث کرده اند اما در فقه شیعه، بعد از شهید اول که در کتاب «دروس» «باب الحسبه» را آورده است، مشاهده می کنیم فقهای بزرگی چون سید بحر العلوم در «بلغه الفقیه» بابی مستقل تحت عنوان «ولایت حسبه» آورده است و همچنین از دیگر فقهای مشهور می توان به صاحب جواهر و علامه محمد حسین نایینی و ملا احمد نراقی اشاره کرد که از امور حسبه و دامنه ی آن سخن به میان آورده اند. بنابراین حسبه از مباحث مشترک در فقه شیعه و سنی است. هدف این رساله، عبارت است از این که مبانی و احکام امر به معروف و نهی از منکر در فقه جعفری و شافعی بررسی کرده تا نکات و نقاط اشتراک و افتراق بین دو مذهب در این مسئله روشن شود و به اهمیت این فریضه پی ببریم.

سؤالاتی که در این پایان نامه مطرح است و مورد بررسی قرار می گیرند عبارتند از:

1- مبانی و احکام امر به معروف و نهی از منکر در فقه جعفری و شافعی چیست؟

2- امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است یا کفایی؟

3- شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

این رساله از 7 فصل تشکیل شده که محوریت هر فصل به شرح زیر می باشد:

فصل اول شامل کلیات و مفاهیم است، در فصل دوم امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات مورد بحث قرار می گیرد. فصل سوم به بحث از وجوب امر به معروف و نهی از منکر

اختصاص یافته، و در فصل چهارم اقسام امر به معروف و نهی از منکر، و در فصل پنجم ویژگی های
آمران به معروف و ناهیان از منکر، و در فصل ششم آثار امر به معروف و نهی از منکر و در فصل آخر
پایان نامه پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر مورد بحث و بررسی قرار می گیرد .

فصل اول

کلیات و مفاهیم

1-1: معنای امر به معروف و نهی از منکر

1-1-1: معنای امر

گفته شده که کلمه امر لفظی مشترک است که در طلب و غیر طلب از موارد استعمال دیگر، به کار می رود مثل حادثه، شأن و فعل، مثل اینکه می گویی: (جئتُ لأمر کذا: برای فلان کار آمدم) یا (شغلنی امر: مسئله ای مرا مشغول کرد) و بعید نیست که معنای دیگر غیر از طلب که کلمه امر در آنها بکار می رود، همگی به یک معنای واحد جامع برگردند و آن مفهوم شی (چیز) است. در نتیجه لفظ امر فقط بین دو معنا مشترک است: طلب و شیء و مراد از طلب اظهار اراده و رغبت است به وسیله قول یا نوشته یا اشاره و امثال اینها از راههایی که می توان اراده و رغبت را با آن ها ابراز و اظهار کرد. و نیز مراد از «شی» در لفظ امر، هر شیئی به نحو مطلق نیست و لذا تعریف امر به معنای شی نیز از قبیل تعریف یک چیز به اعم است¹.

پس امر دارای دو معنی است:

1- به معنای کار و چیز، در این معنا، بصورت امور جمع بسته می شود و فعل و صفت از آن

مشتق نمی گردد در آیاتی از قرآن به همین معنی استعمال شده است². همانند

«وَشَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ³» در کارها با آنان مشورت کن .

«إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ⁴» همه کارها به خدا باز می گردد .

1 . محمدرضا مظفر، اصول فقه، ج 1، ص 111.

2. همان، ص 113؛ عبدالرحمان، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه، ج 1، ص 29؛ قرشی، قاموس قرآن

، ج 1، ص 109.

3 . آل عمران / 159.

4 . بقره / 210.

2- به معنای دستور و فرمان، برانگیختن به چیزی، اگر به این معنا باشد، جمع آن أوامر است و فعل (مانند: أَمَرَ، يَأْمُرُ) و صفت (مانند: أَمْرٌ و مأمور و ...) از آن مشتق می‌گردد¹.
و در آیاتی از قرآن در این معنی استعمال شده است. مانند:
«قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ²» بگو پروردگارم به قسط و عدل فرمان داده است.
«أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ³» خداوند فرمان داده است که جز او را نپرستید.
مقصود از کلمه أمر به معروف، معنی دوم آن است.

1-1-2: معنای نهی

نهی عبارت است از طلب ترک فعل توسط عالی از دانی یا به قول صحیح تر نهی عبارتست از بازداشتن عالی، دانی را از انجام فعل و منع او از ارتکاب فعل و لازمه ی این، طلب ترک است⁴.
در مصطلحات الفقه مشکینی کلمه «نهی» اینطور معنی شده است:
و النهي في اللغة و الاصطلاح هو الزجر بالقول أو بالفعل و نحوه كما في الأمر⁵ «نهی در لغت و اصطلاح عبارت است از بازداشتن و منع کردن بوسیله سخن یا عمل و مانند آن»
نهی در آیاتی از قرآن به همین معنی استعمال شده است:
«إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ⁶»
همانا نماز (انسان نمازگزار) را از زشتیها و منکرات باز می‌دارد.
«وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ *فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ⁷»
آن کسی که از مقام پروردگارش بترسد و نفس خود را از هوا و هوس باز دارد، بهشت جایگاه اوست.

1-1-3: معنای معروف

به معنای «شناخته شده» آمده، ریشه آن معرفت و عرفان است. راغب اصفهانی می‌گوید:

-
1. محمدرضا مظفر، اصول فقه، ج 1، ص 113؛ عبدالرحمان، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه، ج 1، ص 290؛ قرشی، قاموس قرآن، ج 1، ص 109.
 2. اعراف / 29.
 3. یوسف / 40.
 4. محمدرضا مظفر، اصول فقه، ج 1، ص 181.
 5. مشکینی، مصطلحات الفقه، ص 89.
 6. عنکبوت / 45.
 7. نازعات / 41 – 40.

« معرفت و عرفان، شناختن چیزی است از روی تفکر و تدبّر بواسطه اثر آن¹ »

و درباره معروف می گوید :

« والمعروف اسمٌ لكلِّ فعلٍ يُعرفُ بالعقلِ أو الشرعِ حُسْنُهُ و المنكرُ ما يُنكرُ بهما » هر کاری که خوبی آن بواسطه عقل یا دین شناخته شود، معروف نام دارد و منکر عبارتست از آنچه که بواسطه عقل یا شرع، مورد انکار و تقيیح قرار گیرد.²

محقق حلی در کتاب شرائع درباره معنای معروف می نویسد :

المعروف هو كلُّ فعلٍ حسنٍ اختصَّ بوصفٍ زائدٍ علی حسنه إذا عرف فاعله ذلك اودلّ عليه³ «معروف، هر کار پسندیده ای است که افزون بر خوبی، دارای وصف زائد باشد (از قبیل استحباب، وجوب و...) که یا خود انجام دهنده آن را بشناسد، یا به آن راهنمایی اش کنند.»

4-1-1 : معنای منکر

دانشمند و ادیب بزرگ میرشریف جرجانی در بیان معنای واژه منکر می نویسد : « المنكرُ ما ليس فيه رضا لله من قولٍ أو فعلٍ، و المعروف ضده » منکر عبارتست از سخن یا کاری که مورد رضایت پروردگار نباشد و معروف نقطه مقابل آنست.⁴

و محقق حلی نوشته است : « والمنكر كلُّ فعلٍ قبيحٍ عرف فاعله قبحه او دلّ عليه⁵ »

منکر به هر عمل زشت و ناروایی اطلاق می شود که فاعل و انجام دهنده آن زشتی و قبحش را بدانند و یا با ارشاد و راهنمایی دیگران به قبح و زشتی آن پی ببرند .

و راغب اصفهانی در مورد منکر می نویسد :

« و المنكرُ كلُّ فعلٍ تحكّم العُقُولُ الصحيح بِقُبْحِهِ او تتوقّف فيه استقباحه و استحسانه العُقُولُ، فتحكّم بِقُبْحِهِ الشَّرِيعَةُ⁶ »

1 . اصفهانی ، المفردات فی غریب القرآن ، ص 561 .

2 . همان .

3 . حلی ، شرائع الاسلام ، ج 1 ، ص 310 .

4 . جرجانی ، التعريفات ، ص 78 .

5 . حلی ، شرائع الاسلام ، ج 1 ، ص 310 .

6 . اصفهانی ، المفردات فی غریب القرآن ، ص 823 .

هر عملی را که عقلهای صحیح و سالم به زشتی و قبح آن حکم نمایند، مُنکر نامیده می شود، یا اگر عقل نداند که آن کار خوب است یا بد و مردّد بماند، ولی شریعت به بدی و ناپسندی آن حکم کند آن نیز منکر است .

1-1-5: معنای امر به معروف و نهی از منکر

فقیه بزرگ شهید ثانی (ره) در توضیح مفهوم امر به معروف و نهی از منکر فرموده است :
« الأمرُ بالمعروف، هو الحَمْلُ على الطاعةِ قولاً أو فعلاً وَ النهیُّ عن المُنکر، هو المنع من فعل المعاصی قولاً أو فعلاً¹ »

امر به معروف، وادار کردن دیگران به پیروی از اوامر پروردگار است، به زبان باشد یا به عمل، و نهی از منکر، مانع شدن از انجام گناهان است، آن هم به زبان باشد یا به عمل .

میرشریف جرجانی در این مورد می نویسد :

« الأمرُ بالمعروف هو الأرشادُ الى المرادِ المنجیةِ وَ النهیُّ عن المُنکر أَلزَجْرُ عمَّا لا یلائم فی الشریعة و ... قیل : الأمرُ بالمعروف أمرٌ بما یوافقُ الكتابَ وَ السُنَّةَ وَ النهیُّ عن المُنکر نهیٌ عمَّا تمیلُ الیه النفسُ وَ الشهوةُ »

امر به معروف، ارشاد و راهنمایی به راههای نجات بخش است و نهی از منکر بازداشتن از اموری است که با شریعت سازگاری ندارد و ... گفته اند : امر به معروف، امر و فرمان است به آنچه مطابق کتاب و سنت است و نهی از منکر بازداشتن از چیزهایی است که نفس و شهوت به آن تمایل دارند.²

و در فرهنگ معارف اسلامی آمده است :

امر به معروف یعنی وادار کردن مردم را بر انجام کارهای پسندیده و خوب و مشروع و اطاعت خدا قولاً و فعلاً، و نهی از منکر یعنی منع از کارهای زشت و معاصی قولاً و فعلاً³.
با توجه به آنچه گذشت، می توان در تعریف امر به معروف و نهی از منکر گفت :

1. شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج2 کتاب امر به معروف، ص

2. جرجانی، التعریفات، ص 11.

3. سجّادی، فرهنگ معارف اسلامی، جلد اول، ص 297.

امر به معروف، یعنی برانگیختن و فرمان دادن، به چیزی است که نزد عقل یا شرع و یا هر دو، خوب و مطلوب دانسته شده است، و نهی از منکر، یعنی بازداشتن و منع کردن از آنچه نزد عقل و شرع، بد و ناپسند شمرده شده است.

1-2: قلمرو معروف و منکر

معروف و منکر قلمرو وسیعی دارند و در محدوده «عبادات» یا «نیکی به مردم» خلاصه نمی گردند. در کتابهای فقهی (مانند منتهی، تذکره، تحریر الاحکام و ...) معروف به هر کاری گفته شده که علاوه بر نیکی آن، انجام دهنده اش نیز آن را به وصف نیکی بشناسد، یا توسط دیگری با این عنوان شناخته شود.

منکر هر کار بدی است که انجام دهنده آن، خودش آن را به این وصف (زشتی) بشناسد و از آن یاد کند یا توسط دیگری به وی شناسانده شود.

بنابراین معروف در مقابل منکر است که علاوه بر واجبات، شامل مستحبات نیز می شود همچنانکه کلمه منکر علاوه بر محرمات شامل مکروهات نیز می گردد.

از اینرو امر به معروف دو گونه است: 1- امر به معروف واجب، نسبت به واجبات 2- امر به معروف مستحب نسبت به مستحبات و نهی از منکر نیز دو گونه است: 1- نهی از منکر واجب، نسبت به کارهای حرام 2- نهی از منکر مستحب نسبت به کارهای مکروه¹.

امام خمینی (ره) در این باره فرموده اند: (فَمَا وَجِبَ عَقْلًا أَوْ شَرَعًا وَجِبَ الْأَمْرُ بِهِ، وَ مَا قَبِحَ عَقْلًا أَوْ حَرَّمَ شَرَعًا وَجِبَ النَّهْيُ عَنْهُ، وَ مَا نَدَبَ وَاسْتَحَبَّ وَ فَالْأَمْرُ بِهِ كَذَلِكَ وَ مَا كَرِهَ فَالْنَهْيُ عَنْهُ كَذَلِكَ) «هر عملی که عقلاً یا شرعاً واجب باشد امر به آن نیز واجب است و هر چیزی که عقلاً قبیح و یا شرعاً حرام باشد نهی مردم از ارتکاب آن واجب است، و هر چیزی که انجام آن مطلق و مستحب باشد امر به آن نیز مستحب است و هر چیزی که انجام دادنش مکروه باشد امر به آن نیز مکروه است»².

1-3: اقسام واجب

کارهایی که بندگان خدا انجام می دهند (از نظر حکم شرعی تکلیفی) به پنج دسته تقسیم می شود: 1- واجب 2- مستحب یا مندوب 3- حرام 4- مکروه 5- مباح
اما واجب اقسام مختلفی دارد که به برخی از آنها در اینجا اشاره می کنیم:

1. امر به معروف و نهی از منکر، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص 36.

2. خمینی امام (ره)، تحریر الوسیله، ج 2، ص 421.

1-3-1: واجب عینی و کفایی

واجب عینی: آن چیزی است که تک تک مکلفین موظف به انجام آن هستند و اگر عده ای از مردم آن را انجام دهند و جوب آن از بقیه افراد برداشته نمی شود مانند نماز .

واجب کفایی: آن است که اگر بعضی افراد آن را انجام دهند تکلیف از بقیه افراد برداشته می شود مانند غسل دادن میت و کفن و دفن او¹. جماعتی از فقها فرموده اند که امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است و بر همه افراد واجب است که به این دو واجب اقدام کنند در برابر این گروه مشهور فقها، قائل به وجوب کفایی هستند .

1-3-2: واجب شرعی و عقلی

واجب شرعی آن است که دلیل وجوب آن عمل از طرف شارع مقدس باشد مانند روزه و بیشتر عبادات و واجب عقلی آنست که دلیل واجب شدن آن عمل را عقل بیان کند نه (شارع) مانند واجب بودن شناخت خداوند². در میان فقها اختلاف نظر است که آیا وجوب این دو تنها از ادله شرعیه (آیات و روایات) استفاده می شود یا بیش از آنکه آیه و روایتی بر وجوب این دو حکم کند عقل آن را واجب می داند . مشهور فقها قائل اند که وجوب این دو شرعی است .

1-3-3: واجب تعبّدی و توصلی

واجب تعبّدی آن است که مقصود و هدف از واجب شدن برآورده نمی شود مگر اینکه خود مکلف یا نائب او (در صورتی که عمل نیابت بردار است مثل حج) آن عمل را به قصد قربت و فرمان برداری از امر خداوند سبحان بجا آورد و انجام دادن عمل واجب به هر هدفی که باشد موجب رفع تکلیف از انسان نمی شود مانند عبادات از قبیل نماز و روزه .

واجب توصلی آن است که عمل واجب به هر هدفی که بجا آورده شود از گردن مکلف برداشته می شود و قصد اطاعت و امتثال شرط نیست مانند پاک کردن لباس نجس برای نماز خواندن که این واجب از گردن انسان برداشته می شود، هر چند باد آن لباس را در آب انداخته و خود به خود شسته شود³. امر به معروف و نهی از منکر واجب توصلی است و قصد قربت و اخلاص در آن شرط نیست .

1 . حیدری ، اصول الاستنباط ، ص 67.

2 . همان ، ص 70.

3 . همان ، ص 72.